

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۹۲، چهارشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۵، ۴ ژانویه ۲۰۱۷، ۵۰۰ تومان

سلام اسماعیل پور در گفتگو
با کوردستان:

ص ۷

جاشیسم و رهروان
مدرنش

ص ۷

بازی با کارت اشغالگران
نتیجه‌ای جز
شکست ندارد

ص ۵

www.kurdistanmedia.com



معلمان مدارس
تحت ستم ولایت فقیه

۶



بژواک منشور روحانی
در کوبه

۴



چاپ "کردستان و کرد"
اثر ماندگار دکتر قاسملو
در اختیار عموم
قرار گرفت

۲



حزب دمکرات: آزادی
زندانیان سیاسی،
خواست جمعی ماست

۲

سفن

راسانیان

کریم پرویزی

راسان روزها، مرحله‌ای نوین و فصلی جدید از کتاب قطور و بخشی از مبارزات کردستان ایران می‌باشد که ده‌ها سال است به پیکار با ظلم برخاسته و در راه اثبات اراده ملی و انسانی خویش تلاش نموده و قربانی داده و حماسه‌ها و افتخاراتی جاویدان خلق کرده‌اند. این فصل از کتاب مبارزه در راه آزادی، فصلی دشوار و در همان حال، فصلی ملامال از رویداد و پدیده‌ی پر رمز و راز و نوینی است که ضرورت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات نوینی را به همراه دارد. مبارزات ملت کرد و کردستان در راه آزادی و برای نیل به رهایی ملی و جامعه‌ای آزاد و توسعه‌یافته، مبارزه‌ی تک‌بندی و در راه منافع یک طبقه یا گروه خاص نیست. مبارزه‌ی موقتی و منحصر به یک برهه‌ی زمانی خاص هم نیست که وابسته به شرایط خاص منطقه‌ای و پیرامونی باشد که با گذشت زمان امواج آن فروکش کند. مبارزه‌ی ملتی است که حقوق آن پایمال شده است، ملتی که می‌خواهد همانند سایر ملت‌های جهان و در کنار آنان در عدالت و آزادی زندگی کند. آزادی نیز صرفاً آزادی سیاسی فردی نیست، بلکه معنایی ژرفتر از آن را در بر می‌گیرد. به معنای اراده‌ی معطوف به تصمیم‌گیری و زندگی آزادانه است که چه به عنوان فرد و چه به عنوان گروه و چه به عنوان قشر یا طبقه و فراتر از آن به عنوان یک ملت از این حق ذاتی برخوردارند که آزادانه زندگی کنند و موجودیتشان را در سرزمین خویش و با افکار، هویت و اراده‌ی خویش رقم بزنند. مسئولیت‌پذیری چنین طولانی و پرمحتوا و رو به چشم‌اندازی دور و روشن، صرفاً بر دوش یک قشر یا طبقه و گروه خاص نیست. مبارزه برای منافع و مطالبات یک گروه خاص هم نیست، بلکه

ادامه در صفحه‌ی ۶



می‌دهند که اتهامات بی‌اساس این مزدور رژیم علیه احزاب کردستان، در واقع توصیفی از ماهیت حقیقی رژیم است که خود وی در مزدوری برای آن، تمامی مرزهای اخلاقی را زیر پا گذاشته است. ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو و دکتر صادق شرفکندی رهبران شهید ملت کرد و حزب دمکرات و چهره‌های مردمی کردستان همچون ملا محمد ربیعی توسط دستگاه ترور رژیم اسلامی ایران چند نمونه‌ی آشکار هستند که نشان

اروپا از نزدیکی ترکیه به روسیه می‌ترسد



یک نشریه آلمانی از ترس و نگرانی اروپا درباره رویگردانی ترکیه از غرب و ترجیح دادن برای نزدیک شدن به روسیه به جای اروپا خبر داد. هفته‌نامه "اشنیکل" در مطلبی نوشت: "در اتحادیه اروپا این نگرانی افزایش پیدا می‌کند که این کشور از اتحاد با غرب رویگردان شده و به جای آن ولادیمیر پوتین را ترجیح دهد. "اشنیکل" در بخش دیگری از این مطلب نوشت: "از زمان کودتای نظامی ماه جولای در ترکیه، اردوغان حدود ۴۰ هزار نفر را دستگیر و هزاران کارمند را اخراج و رسانه‌های زیادی را تعطیل کرده است." یکی از نمایندگان سوسیال دمکرات پارلمان اروپا در این باره اظهار

راسان، نقاب حقوق بشری مزدوران را کنار می‌زند

کوهستان یا همان فعالیت‌های تروریستی عنوان نموده است." این مزدور رژیم با چشم بستن بر واقعیات کردستان و انتساب جنایات رژیم به احزاب مبارز و مدرن کردستان، ادعا می‌کند که احزاب کردستان در ترور شخصیت‌های مدنی و علمای کردستان، کودکان و زنان و شهروندان کرد دست داشته‌اند. این مزدور رژیم که زیر نقاب حقوق بشر در کردستان امرار معاش می‌کند، در اظهارات مضحک دیگری گفته است: "اسناد جنایات کومله و دمکرات را به نهادهای بین‌المللی می‌دهیم و گزارش‌ها حاکی از سوء استفاده از زنان در این احزاب می‌باشد." مزدور نامبرده در حالی برابری زن و مرد در احزاب کردی را "بلوف" می‌نامد که حزب دمکرات کردستان ایران در برنامه و اساسنامه خود تأکید کرده است که حزب دمکرات کردستان ایران تبلیغات سوء رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی علیه سیاست‌های حکیمانه و انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران و در رأس آنها "ایجاد همبستگی میان مبارزات مدنی و سیاسی و مبارزات کوهستان" این بار زیر نقاب حقوق بشر! ادامه دارد. در اقدامی مذبحخانه از این دست، یکی از مزدوران رژیم به نام "علی صادقی" مسئول مرکز ضد حقوق بشری موسوم به "مدافعان حقوق بشر در کردستان، کرمانشاه و ایلام" و طی مصاحبه‌ای با وبسایت حکومتی مرصادنیوز، یکی از وبسایت‌های وابسته به سپاه تروریستی پاسداران در رابطه با خیزش نوین کردستان ایران اعلام کرده است: "ما شاهد فعالیت‌های این احزاب با حمایت برخی از کشورهای منطقه تحت عنوان راسان هستیم، به گونه‌ای که حزب دمکرات اهداف خود را مبارزات مدنی و سیاسی و پیوند آن با مبارزات

بریتیش پترولیوم از بیم ترامپ، به ایران نیامد



اقتصادی در این کشور اعلام آمادگی کردند. در این میان، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران توجه شرکت‌های بزرگ انرژی را به خود جلب کرد؛ اما با وجود سابقه طولانی همکاری‌های ایران و بریتیش پترولیوم (بی‌پی)، این شرکت بزرگ انگلیسی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی ایران چندان ابراز تمایل نکرد." این گزارش می‌افزاید که شرکت‌های دیگر آمریکایی مانند اکسون موبیل و شورون نیز فعلاً برنامه‌ای برای ورود به پروژه‌های ایران ندارند. در همین حال، وب سایت بیزینس اینسایدر در گزارشی با عنوان "چه اتفاقاتی در سال ۲۰۱۷ خواهد افتاد؟" در بخش مربوط به ایران به توافق هسته‌ای اشاره کرده و نوشت: "ترامپ برجام را پاره نخواهد اما در عوض برای مغلوب ساختن حکومت ایران، یک محیط سمی در رابطه با سرمایه‌گذاری در ایران ایجاد خواهد کرد و از قدرت نرم برای منصرف کردن شرکت‌ها و متحدان آمریکا از سرمایه‌گذاری در ایران استفاده خواهد کرد."

این روزنامه معتبر انگلیسی نوشت: "پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، موجب تردید بریتیش پترولیوم درباره از سرگیری فعالیت در ایران شده است." فایننشال تایمز در ادامه نوشت: "در پی حصول توافق هسته‌ای برخی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران لغو شد و شرکت‌های خارجی زیادی برای سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت نفتی بریتیش پترولیوم که یک قرن سابقه همکاری نفتی با ایران را دارد، با روی کار آمدن دونالد ترامپ فعلاً از مشارکت در توسعه‌ی پروژه‌های نفتی رژیم ایران کنار کشیده است. به گزارش روزنامه‌ی فایننشال تایمز، شرکت "بی‌پی" اسناد درخواست مشارکت در مناقصه‌های نفتی رانیز به وزارت نفت ایران ارسال نکرده است.

حزب دمکرات: آزادی زندانیان سیاسی، خواست جمعی ماست



چند روز اخیر نیز پرده از طرح دروغین دیگری به نام "منشور شهروندی" برداشت.

حمایت از آزادیخواهان ایران به ویژه حمایت از خواستهای زندانیان سیاسی، وظیفه‌ای جمعی و جهانیست، در همین راستا از همه‌ی آزادیخواهان، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی می‌خواهیم که با وارد کردن فشار بر رژیم مستبد جمهوری اسلامی، آنان را مجبور سازد که بدون هیچ گونه تبعیضی تمامی زندانیان سیاسی - به ویژه آرش صادقی که به علت طولانی‌تر بودن مدت اعتصاب غذایی، خطر بیشتری جان او را تهدید می‌کند - را آزاد کنند.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۱۱ دی ماه ۱۳۹۵ خورشیدی
۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ میلادی

اعتصاب است، بیشتر ذکر می‌شود و به گوش می‌رسد.

در میان این زندانیان، "سعید شیرزاد" اصالتاً کرد بوده و آرش صادقی نیز به بهانه‌ی فکر و اندیشه متفاوت به ۱۵ سال حبس محکوم گردیده که به نشانه‌ی اعتراض به بازداشت همسرش دست به اعتصاب غذا زده است.

زندان‌های مذکور، تنها شامل آن تعدادی هستند که دست به اعتصاب غذا زده‌اند و هزاران زندانی دیگر ایران صدها و هزاران زندانی دیگر وجود دارند که به دلیل مبارزه برای آزادی ملتشان و برگزیدن اندیشه یا آئینی متفاوت و خط مشی سیاسی دیگری، در سپاه‌های رژیم مورد شکنجه و آزار قرار می‌گیرند. آمار بالای زندانیان سیاسی ایران در حالیست که دولت آقای روحانی، مکرراً وعده‌های دروغین به مردم می‌دهد، به گونه‌ای که طی همین

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با اعتصاب تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران و در راستای حمایت از آنان، بیانیه‌ی منتشر کرد.

متن کامل بیانیه:
آزادی زندانیان سیاسی، خواست جمعی ماست
هم‌میهنان عزیز!

ملیت‌های آزادیخواه ایران!
سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی!
همان گونه که در رسانه‌ها منتشر شده است، تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران دست به اعتصاب غذا زده‌اند و این حرکت اعتراضی مدت مدیدیست که ادامه دارد.

در این میان نام کسانی چون آرش صادقی، سعید شیرزاد، علی شریعتی، نزار زکا و محمد علی طاهری به علت وخامت اوضاع جسمانی‌شان که ناشی از طولانی‌تر بودن روزهای

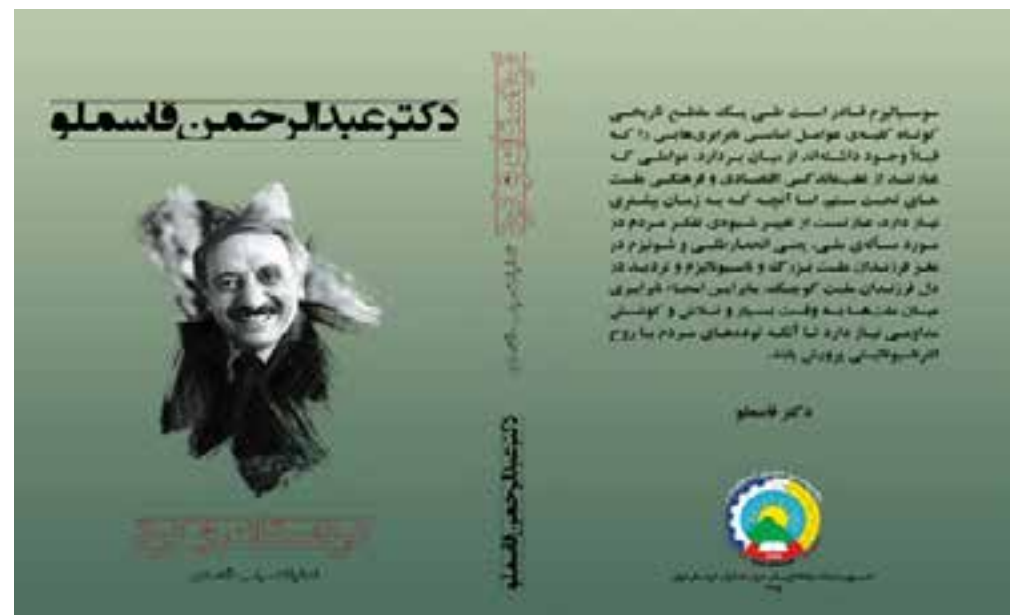
پیام تبریک دبیر کل حزب دمکرات به مناسبت سال نو میلادی

مسیحیان را بر هم می‌زنند.
حزب دمکرات کردستان ایران
دبیر کل
مصطفی هجری
یازدهم دی ماه ۱۳۹۵
خورشیدی
۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ میلادی

خود را به تمامی مسیحیان جهان و خصوصاً مسیحیان کردستان ایران عرض می‌کنیم. به امید سالی سرشار از صلح و آرامش برای همگان، به ویژه تمامی مسیحیانی که مورد ستم و خشونت عده‌ای تاریک‌اندیش و متحجر تحت عنوان اسلام قرار گرفته‌اند که امنیت و صلح

مصطفی هجری دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران در پیامی فرارسیدن سال نو میلادی را بر تمامی مسیحیان ایران و کردستان تبریک گفت. متن این پیام بدین شرح است: به مناسبت میلاد عیسی مسیح و فرارسیدن سال ۲۰۱۷ میلادی، صمیمانه‌ترین شادباش‌های

چاپ "کردستان و کرد" اثر ماندگار دکتر قاسملو در اختیار عموم قرار گرفت



حزب دمکرات از حرکت‌های آشتی‌جویانه‌ی مردم کردستان حمایت می‌کند

در این رابطه کریم پرویزی، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران گفت: "زندگی مسالمت‌جویانه و انسانی در جامعه، از اصول و خواسته‌های اساسی مبارزات آزادیخواهانه حزب دمکرات بوده و ما از چنین حرکت‌هایی که به ایجاد تفرقه در جامعه و تقویت روح همزیستی انسانی می‌انجامد استقبال می‌کنیم و خواهان گسترش چنین حرکت‌هایی و تقویت این دیدگاه هستیم".
این عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات افزود: "رژیم جمهوری اسلامی که تداوم سلطه‌ی خویش را در تشدید خشونت و چیره شدن گفتمان خون در برابر خون و عدم اعتماد اجتماعی می‌بیند، در ملاً عام به اعدام می‌پردازد و آشتی‌جویان را تهدید به بازداشت و شکنجه می‌نماید. حمایت از لغو اعدام و گسترش روحیه‌ی بخشش و مسالمت، مبارزه علیه بنیان‌های فکری جمهوری ترور و وحشت اسلامی است".

اطلاعات رژیم در روانس آنان را احضار و از آنها تعهد کتبی اخذ نموده که از برگزاری هرگونه تجمع خودداری نمایند.
همچنین اداره‌ی اطلاعات رژیم در روانس بیانیه‌ای را به نام کمپین "گذشت" منتشر نموده است.
این اقدامات آشتی‌جویانه‌ی که با استقبال گرم اقشار مختلف کردستان روبرو گردیده، گفتمان رسمی رژیم ایران که اعدام بخشی جدایی‌ناپذیر از هویتش است را به چالش کشیده است و گفتمان "نه به اعدام" را نمایندگی می‌کند.
حزب دمکرات کردستان ایران با استقبال از اقدامات آشتی‌جویانه‌ی مردم کردستان، حمایت همه‌جانبه‌ی خود را از چنین حرکت‌هایی اعلام می‌دارد.
حزب دمکرات کردستان کردستان ایران در برنامه و اساسنامه خود کرامت انسان را به عنوان مهمترین ارزش زندگی به شمار می‌آورد که در منشور جهانی حقوق بشر به تصویب رسیده و به عنوان "پایه‌ی آزادی، عدالت و صلح در جهان" بر آن تأکید شده است.

فعالان مدنی و مردم کردستان با راه‌اندازی کمپین بار دیگر به اعدام "نه" می‌گویند.
طی چند روز اخیر، فعالان و شهروندان سندجی موفق به اخذ عفو هیمن هورامی‌نژاد ۲۲ ساله از خانواده مقتول شدند.
این اقدام آشتی‌جویانه با پیگیری و وساطت جمعی از معتمدین، شهروندان و خیرین سندجی صورت گرفت که سرانجام اولیاء دم پویا ابوالقاسمی از قصاص قاتل فرزندشان صرف‌نظر کردند.
هیمن هورامی‌نژاد سال ۹۰ در سن کمتر از ۱۸ سالگی دوست خود را به قتل رسانده و دستگاه قضایی او را به "قتل عمد" متهم کرده بود.
از دیگر سو نیز، فعالان مدنی در روانس با راه‌اندازی کمپینی تحت عنوان "گذشت" خواستار تجمع شهروندان در مقابل منزل امید مرادی شدند تا از خانواده‌ی وی بخواهند که از اعدام قاتل فرزندشان بگذرند.
مجریان این کمپین که با شعار "با قصاص عادل امید زنده نمی‌شود" فعالیت خود را آغاز کردند، اداره‌ی

۱۹۶۷ از زوری چاپ انگلیسی به زبان عربی ترجمه شد و در سال ۱۹۷۰ بدون اطلاع مؤلف، انتشارات لبنان در بیروت خلاصه‌ای از آن را منتشر کرد. در سال ۱۹۶۹ نیز انتشارات "کتاب و علم" لهستان در ورشو "کردستان و کرد" را بر اساس چاپ انگلیسی آن به زبان لهستانی ترجمه و منتشر کرد. پس از گذشت ده سال از تألیف و انتشار کتاب "کردستان و کرد" به چند زبان بیگانه، سرانجام چاپ کردی آن نیز منتشر شد. قابل ذکر است که این کتاب توسط زنده‌یاد "طه عتیقی" به زبان فارسی ترجمه، چاپ و منتشر گردیده است. در مقدمه‌ی چاپ نوین این کتاب آمده است: "با همه‌ی دشواری‌ها این امر عظماً میسر گردید و این افتخار بار دیگر نصیبمان شد که چایی دیگر از اندیشه‌های گرانبهای دکتر قاسملو را در کمپین تبلیغات و اطلاع‌رسانی حزب دمکرات کردستان ایران، حزب یادگار آن رهبر اندیشمند و نابغه‌ی تاریخی، به انجام برسانیم".
در این راه هم‌زمانان در کمپین تبلیغات و اطلاع‌رسانی، که کار تایپ و مونتاژ دوباره را بر عهده گرفتند جای تقدیر فراوان دارد، بخصوص هم‌زمان، امید عبدی،

کتاب "کردستان و کرد" اثر ماندگار شهید دکتر قاسملو، رهبر فرزانه‌ی ملت کرد، برای دومین بار به زبان فارسی تجدید چاپ شد. کتاب "کردستان و کرد" اثر وزین شهید دکتر قاسملو به همت کمیسیون تبلیغات و اطلاع‌رسانی حزب دمکرات کردستان ایران تجدید چاپ شد و در اختیار عموم قرار گرفت. مؤلف "کردستان و کرد"، رسالت این کتاب را شناساندن دو واژه‌ی "کردستان و کرد" به خوانندگان معرفی نموده و کردستان و کرد را بدون دخل و تصرف به خوانندگان معرفی می‌نماید. این کتاب یک بررسی اقتصادی - سیاسی است که در آن نویسنده به بررسی تاریخ و جغرافیای کردستان پرداخته است. نگارش این کتاب از سال ۱۹۵۷ آغاز شده و در سال ۱۹۶۲ آماده‌ی چاپ شده است. در سال ۱۹۶۳ مرکز انتشارات آکادمی علمی چکسلواکی در پراگ آن را به زبان چکی چاپ و منتشر نمود. همچنین این کتاب دو مرتبه به زبان انگلیسی ترجمه و توسط مرکز کلتز لندن چاپ و منتشر شده است. کتاب مزبور برای اولین بار در سال

وزارت اوقاف اقلیم کردستان به مداخلات رژیم ایران اعتراض کرد



آن در خاک کردستان به شماری از جریان‌های اهل سنت، آمریکا و سایرین حمله‌ور شده است. روز چهارشنبه یکم دیماه ۱۳۹۵ خورشیدی، در شهر سلیمانیه کنفرانسی تحت عنوان "فقه شافعی برای همزیستی" برگزار گردید. برگزاری این کنفرانس، اعتراض شدیدالحن وزارت اوقاف حکومت اقلیم کردستان را در پی داشت. همچنین مدیر روابط وزارت اوقاف اظهار داشته که هیأت اوقاف پارلمان کردستان و اتحادیه علمای دینی کردستان نیز از این کنفرانس مطلع نبوده‌اند. در این کنفرانس محمد حسین شاهرودی، نماینده خامنه‌ای در سندج نیز شرکت داشت.

کردستان بیان داشته است، هیچ کدام از احزاب سیاسی حق ندارند، بدون مجوز رسمی حکومت اقلیم، از مسئولان رژیم اسلامی ایران دعوت به عمل آورند، چرا که این اقدامی است که به حکومت اقلیم کوردستان مرتبط است و اقدامی که در کنفرانس شافعی سلیمانیه انجام شد، مغایر با مقررات حکومت اقلیم کردستان بوده است. نقشبندی همچنین افزود که منطقه به خصوص عراق و سوریه در مرحله‌ای حساس از اختلافات و تنش‌های فرقه‌ای قرار گرفته است. این درحالیست که رژیم اسلامی ایران بدون هیچ گونه اطلاع قبلی، کنفرانسی با پوشش مذهبی در سلیمانیه برگزار کرده و طی

وزارت اوقاف حکومت اقلیم کردستان اعلام کرد که هیچ کدام از احزاب سیاسی حق ندارند به طور مستقیم و یکجانبه مسئولان رژیم ایران را به کردستان دعوت نمایند. خبرگزاری‌های حکومت اقلیم کردستان این خبر را منتشر کردند که وزارت اوقاف و امور مذهبی حکومت اقلیم کردستان نسبت به شرکت و حضور عوامل رژیم اسلامی ایران در کنفرانس شافعی که در استان سلیمانیه برگزار گردید، ابراز نگرانی کرده و طی نامه‌ای، مراتب اعتراض خود را به دفتر روابط خارجی حکومت اقلیم کردستان منتقل نموده است. مدیر روابط وزارت اوقاف حکومت اقلیم

سرکوبگر، تروریست و جنایتکار در کردستان، همواره فجایع انسانی دلخراشی به بار آورده و مزدوران آن مردم، کردستان را قتل‌عام کرده‌اند. رژیم ایران برجسته‌ترین فرماندهان و مسئولان نظامی خود را برای جنگ‌افروزی به کردستان فرستاده و تحت فرمان شوم و وحشیانه‌ی "جهاد" خمینی، دست به کشتار مردم کردستان می‌زدند. سپس هر کدام از این فرماندهان و مسئولان رژیم که در کردستان جنگیده بودند، اقدام به انتشار نوشته‌هایی تحریف‌آمیز کرده و داستان‌های مملو از گفته‌های کذب نوشتند که گویا به کمک مردم کردستان آمده و علیه دشمن جنگیده‌اند. از جمله این فرماندهان نظامی رژیم، تروریست شناخته‌شده‌ای به نام "مصطفی چمران" بود که به عنوان یک فرمانده نظامی در کردستان دست به جنایت‌هایی بیرحمانه زد و تاکنون مسئولان این رژیم، از این جنایت به عنوان قهرمان در کردستان نام می‌برند.

از لحاظ آمار بیکاری و معضلات اجتماعی رتبه‌ی نخست را در سطح ایران به خود اختصاص داده است. همچنین روزانه مردم کردستان به اتهامات امنیتی ساختگی بازداشت و به مکان‌های نامعلومی منتقل می‌شوند، قربانی مین‌های کاشته‌شده رژیم شده یا مورد تیراندازی مستقیم نیروهای رژیم قرار می‌گیرند. استان سندج از لحاظ آبادانی و امکانات رفاهی در سطح پایینی قرار دارد و رژیم به بهانه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی هیچ تلاشی در این زمینه انجام نمی‌دهد. گفته‌های این پاسدار رژیم برای تعریف از نام بد پاسدار در کردستان به این مربوط می‌شود که نیروهای امنیتی و نظامی این رژیم اشغالگر در کردستان همانند گروه تروریستی داعش با مردم رفتار کرده‌اند و پاسداران رژیم از هیچ گونه آزار و اذیتی نسبت به مردم کردستان دریغ نکرده‌اند. رژیم اسلامی ایران همانند دشمنی

پاسدار محمدحسین رجیبی فرمانده سپاه تروریستی پاسداران رژیم در استان سندج، باز هم لاطاناتی در رابطه با امنیت و عمران این استان به میان آورد. خبرگزاری‌های رژیم ایران طی خبری گزارش دادند پاسدار محمد حسین رجیبی، مسئول سپاه پاسداران رژیم در استان سندج اظهار داشته است که مردم سندج امنیت در این استان را مورد توجه قرار نمی‌دهند. وی در دیدار با سپاه حفاظت و امنیت پرواز فرودگاه این استان این سخنان را بیان داشته است. رجیبی همچنین مدعی شده است که احزاب اپوزیسیون رژیم در کردستان مانعی برای پیشرفت و عمران شده‌اند. این مقام رژیم طی بخشی از سخنان خود اعلام داشته است دشمن از پاسدار دیدی بد و منفی رواج داده و ما باید این دیدگاه را خنثی کنیم. سخنان این پاسدار سفاک رژیم در حالیست که تاکنون کردستان ایران و به خصوص استان سندج

در سال ۲۰۱۶ میلادی، ۹۳ روزنامه‌نگار کشته شدند



فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران اعلام کرده در مجموع ۹۳ روزنامه‌نگار و پرسنل بخش مطبوعات در جریان فعالیت‌هایشان در سراسر جهان کشته شدند خاورمیانه مرگبارترین منطقه جهان در این حوزه بوده است. آمار روزنامه‌نگاران کشته‌شده در سال ۲۰۱۶ نسبت به آمارهای سال ۲۰۱۵ کاهش پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۵ در سرتاسر جهان، ۱۱۲ روزنامه‌نگار و پرسنل مطبوعاتی به علل مختلف کشته شده‌اند.

در ادامه‌ی این گزارش آمده است که ۱۳ تن در افغانستان، ۱۱ تن در مکزیک، ۸ تن در یمن، ۶ تن در گواتمالا، ۶ تن در سوریه، ۵ تن در هند و ۵ تن در پاکستان کشته شده‌اند. فیلیپ لروث، رئیس فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در بیانیه‌ای گفته است: ما همیشه از هر گونه کاهش در خشونت‌ها علیه روزنامه‌نگاران و پرسنل مطبوعاتی استقبال می‌کنیم اما این آمار هنوز خیال ما را راحت نکرده و امیدواریم بحران امنیتی در بخش مطبوعات پایان یابد.

بر اساس گزارش سالانه‌ی فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ) طی سال ۲۰۱۶ میلادی ۹۳ روزنامه‌نگار کشته شدند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ) طی گزارشی اعلام کرده است که در سال ۲۰۱۶ میلادی ۹۳ روزنامه‌نگار کشته شده و کشور عراق طی این سال برای روزنامه‌نگاران به عنوان مرگبارترین کشور جهان شناخته شده است. طبق این گزارش تنها در این کشور، ۱۵ روزنامه‌نگار کشته شده‌اند.

پیشنهاد آموزش زبان فارسی در سراسر عراق، جنجال آفرید

در جایگاه سوم قرار دارد، همچنین اقلیت‌های سامی‌تبار آشوری، کلدانی و مندایی که از ساکنان اصلی عراق به شمار می‌روند به زبان‌های ویژه خود که زبان‌های تاریخی عراق هستند، سخن می‌گویند و زبان فارسی هیچ جایگاهی در میان مردم این کشور ندارد. مقامات رژیم ایران همواره در عراق به ویژه در اقلیم کردستان، از فارسی‌زبانان می‌باشند و خود را آریایی و ایرانی قلمداد می‌کنند.

برگزاری دوره‌های زبان فارسی در کشور عراق، خواستار عدم تمرکز این دوره‌ها در بغداد و برگزاری آن در سایر نقاط کشور از جمله استان‌های جنوبی عراق شده است. اما حیدر العبودی، سخنگوی وزارت آموزش عالی عراق، در گفت و گو با وبسایت "السومریه نیوز" گفت: «وزارت آموزش عالی، برنامه‌ای برای آموزش زبان فارسی در عراق ندارد. زبان فارسی و سایر زبان‌ها صرفاً در دانشکده‌های زبان در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند». زبان اکثریت مردم عراق عربی است، زبان کردی دومین زبان و ترکمنی

اظهارات وزیر آموزش عالی و پژوهش‌های علمی عراق در دیدار با رایزن فرهنگی رژیم ایران در این کشور، که خواستار تمرکززدایی آموزش زبان فارسی از شهر بغداد و آموزش این زبان در سراسر عراق شده بود، با واکنشی جنجالی در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌ها روبه‌رو شد تا جایی که سخنگوی این وزارتخانه مجبور شد در بیانیه‌ای این خبر را تکذیب کند. خبرگزاری رسمی رژیم ایران "ایرنا" روز پنج‌شنبه گزارش داده بود که عبدالرزاق العیسی در دیدار با غلامرضا اباذری، درباره موضوع

قطعنامه سازمان ملل برای گردآوری شواهد جنایات جنگی در سوریه تصویب شد

مورد جنایات جنگی در سوریه بود. جنگ داخلی سوریه حدود ۶ سال است که ادامه دارد. تاکنون بیش از ۳۱۰ هزار نفر جان خود را از دست داده و میلیون‌ها سوری آواره شده‌اند. سخنگوی سازمان دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید، مسببان جنایات جنگی اینک می‌دانند که مدارک و شواهد علیه آن‌ها گردآوری خواهد شد. این کار انجام می‌شود تا "روزی که آنان بر روی نیمکت متهمان می‌نشینند، زودتر فرا برسد".

چندین سال است تشکیل شده، همکاری نزدیک داشته باشد. این کمیسیون تاکنون چندین گزارش در مورد فجایع بیرحمانه در جنگ داخلی سوریه منتشر کرده است. پیش‌نویس این قطعنامه را لیختن‌اشتاین تهیه کرده که از حمایت ۵۸ کشور دیگر، از جمله آمریکا، فرانسه، بریتانیا و آلمان برخوردار بوده است. روسیه و چین در سال ۲۰۱۴ مانع تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت شدند که هدف آن زمینه‌سازی برای تحقیقات دادگاه بین‌المللی لاهه در

مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای برای مستندسازی جنایات جنگی در سوریه تصویب کرد. به گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی، این قطعنامه در نیویورک با رأی مثبت، ۱۵ رأی منفی و ۵۲ رأی ممتنع به تصویب رسید. رژیم ایران، روسیه و چین به این قطعنامه رأی منفی دادند. به موجب این قطعنامه، دبیر کل سازمان ملل متحد ۲۰ روز وقت دارد تا کارگروهی تشکیل دهد. این کارگروه باید با یک کمیسیون تحقیقات سازمان ملل متحد که

رژیم ایران

سرکرده تروریسم در جهان است

دیماه ۱۳۹۵ خورشیدی اعلام کردند که اعضای سپاه تروریستی پاسداران رژیم ایران به گروه طالبان در این کشور می‌پیوندند. این در حالیست که کشورهای منطقه نسبت به اقدامات تروریستی و حمایت این رژیم از گروه‌های تروریستی افغانستان روز سه‌شنبه هشتم

در لیستی که این وزارتخانه در بیست‌وچهارم آذرماه امسال منتشر کرده است، نام چندین مسئول ارشد نظامی این رژیم به عنوان حامیان تروریسم مشاهده می‌گردد. این افراد رژیم از سوی استرالیا مورد تحریم اقتصادی قرار گرفته‌اند. در این زمینه مسئولان کشور افغانستان روز سه‌شنبه هشتم

رژیم ایران بطور مداوم در زمره‌ی حامیان تروریسم جهانی مقام اول را دارد و در این رابطه وزارت خارجه استرالیا چندین مسئول ارشد نظامی این رژیم را به عنوان حامیان تروریسم نام برده است. وبسایت وزارت خارجه‌ی کشور استرالیا هر سه سال لیستی را در رابطه با تروریسم ارائه می‌دهد.

پژواک منشور روحانی در کویه



پتو امددی

برای بشریت مشخص و آشکار است. خمینی پس از کسب اعتماد شخصیت‌ها و احزاب ایرانی و بعضاً جهانی، با قدم‌هایی محکم بر روی فرش قرمز (که بعدها نیز بر روی فرش قرمز ادامه می‌داد، با این اختلاف که اینبار فرش را خون قدرت و حکومتی خیز برداشته بود که می‌توان ادعا نمود که موجب تغییر بنیادی تاریخ بشر شد که شاید سال‌ها صبر بطلید تا این حقیقت اثبات شود (جمهوری اسلامی به عنوان پدرخوانده و پشتیبان اکثریت گروه‌های تروریستی، نقش عمده‌ای در بیشتر رویدادهای تروریستی در سطح جهانی داشته است. انفجار در مرکز یهودیان آرژانتین، ترور در رستوران میکونوس و ۱۱ سپتامبر به عنوان نمونه). آنچه اکنون روحانی آن را همچون دستاورد دولتش تبلیغ می‌کند، بر اساس همان قانونی تدوین شده که خمینی طرح و تأیید و تحمیل کرد و در مدت ۳۷ سال گذشته اجرا می‌شود. اما جای بسی تعجب است که حتی برای فریب دادن و گسیل داشتن مردم به سوی صندوق‌های رأی نیز بحث کردن از حقوق بشر و شهروندی در این سیستم ممنوع است و خبرها حاکی از تهدید امامان جمعه در هفته‌های اخیر و خط قرمز مشخص کردن برای دولت در این خصوص بوده است. بر این اساس، با شناختی که از سطح قدرت و نفوذ رئیس‌جمهور در این رژیم داریم، حتی اگر نیتی برای انسانیت‌تر کردن سیستم اجرایی نیز داشته باشد، قدرت اصلی این نظام، یعنی ولایت فقیه او را در گام اول ساقط خواهد کرد. تغییرات در سطح منطقه در چند سال اخیر، با سرعت چشمگیری صورت گرفته است. شروع انقلاب‌های

پایایی در کشورهای دیکتاتوری و به ثمر رسیدن این انقلاب‌ها (با وجود بهتر نشدن وضعیت زندگی مردم)، صفحهای دیگر از نوع نگرش و خواسته‌های مردم منطقه را بازگشایی نمود. سطح خواسته‌ها و انتظارات ملت‌های منطقه برای بهزیستی و با عزت زندگی کردن ارتقا یافته و سطح اطلاعات از رخدادها و شیوه‌ی زندگی با عزت هر روز بیشتر شده و بیشتر خواهان به دست گرفتن سرنوشت خویش هستند. در میان این ملت‌ها نیز که در پرکشمکش‌ترین نقطه‌ی جهان جای گرفته‌اند، ملت کرد نیز وجود دارد که جمعیت آن بالغ بر ۴۰ میلیون انسان است که تاکنون نه کشوری مستقل دارد و نه مسأله‌ی ملی آن چنان که باید به شیوه‌ی واقعی به مسأله‌ی جهانی تبدیل شده است. اما با وجود همه‌ی اینها، اکنون بیشتر از هر زمان دیگری ملت کرد در سطح جهانی مورد بحث قرار گرفته و شناخته شده و این امر صرفاً یک دلیل اصلی داشته است: قدرت. زمانی که در بیشتر نقاط جهان و مخصوصاً منطقه‌ی خاورمیانه، ترس و اهমে از داعش زندگی را بر آنان سیاه کرده بود، نیروهای پیشمرگه در کردستان جنوبی با کمترین امکانات و در اوج بحران‌های داخلی در مقابل یک نیروی تاندان مسلح شده از سوی رژیم ایران و ارتش عراق در موصل یعنی داعش، ایستادند و با جان و خون خود از خاک و سرزمین خود و جامعه‌ی بشری محافظت کردند و این مقاومت و پیروزی‌های پیشمرگه موجب شد که نیروی پیشمرگه و این صفت مقدس در سطح جهانی به سمبل قهرمانی و انساندوستی بدل شود. پس، قدرت و پرقدردی بودن در آنچه اکنون شاهد آن

هستیم، نقشی اساسی داشته است. آنچه که در سطور بالا اشاره شد را به عنوان پیش زمینه‌ی برای آشکار شدن هدف اصلی منشور ارائه شده‌ی روحانی و دولتش در نظر بگیریم. در مدت نزدیک به ۶ سال بحران و پلبشو در منطقه، رژیم ایران با وجود دخالت‌های مستقیم در اکثریت این کشورها، مدام مدعی بود که در ایران هیچ گونه مشکل ملی و انسانی وجود ندارد. در واقع آنچه که همه‌ی ناظران نیز از آن مطلع هستند، در طول مدت زمامداری این رژیم، همیشه با توسل به کشتار و آسیمیلیسیون با هرگونه مخالفتی مقابله نموده است. اما با وجود همه‌ی این فشارها و کشتارها، سطح رشد فکری و خواسته‌های ملی و آزادیخواهانه‌ی مردمان ملت‌های ایران ارتقا یافته و هر روز بیشتر از پیش تکمیل می‌شود. اگر نگاهی گذرا به کمیت و کیفیت مبارزات سیاسی و مدنی ملت‌های ایران در سال‌های اخیر داشته باشیم، آشکارا درخواهیم یافت که سطح آگاهی این ملت‌ها برای هدفی سیاسی و ملی، عیانتر از گذشته نمود پیدا می‌کند و این نیز موجب عکس‌العمل رژیم خواهد شد. اما در این میان، مسأله‌ای در یکصد سال گذشته در ایران به شیوه‌ی سازمان‌یافته و از روی عقل و منطق، مستمراً وجود داشته است. این مسأله، مسأله‌ی رسیدن کردها به اهداف واقعی خود بوده است. آنچه آشکار و مبرهن می‌باشد، این است که متأسفانه تاکنون نیز در چهارچوب این کشور کنونی که ایران نامیده می‌شود، ملت کرد تنها ملتی بوده که به صورت مستمر جنبش‌های رهایی‌بخش داشته و علیه اشغالگری و دیکتاتوری مبارزه کرده است. هرچند که ملت‌های دیگر

نیز مقاومت‌ها و مبارزاتی داشته‌اند، اما باز هم متأسفانه جنبش کردستان تنها جنبشی بوده که مدام در میدان مبارزه حضور فعالانه داشته است. پس از رویدادهای اخیر منطقه، جنبش رهایی‌بخش کرد در کردستان ایران، با مطالعه‌ی همه‌ی جنبه‌های سیاسی و منطقه‌ای و سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران، مرحله‌ی نوینی از مبارزات را اعلام کرد که بعدها به نام راسان شناخته شد و یکی از هدف‌های این مبارزات نوین، همبستگی مبارزات شهری و فعالیت‌های پیشمرگه‌ها اعلام شد تا از این طریق همه‌ی پتانسیل و انرژی همسو شده و از این طریق مبارزه‌ی فراگیر از سر گرفته شود. این مبارزه‌ی نوین (راسان)، از طرف حزب دمکرات اعلام شد و از همه‌ی احزاب و سازمان‌های مبارز و انقلابی هم خواسته شد که در این اقدام و مرحله‌ی مبارزه شرکت کنند. راسان، به سمبلی برای رستاخیزی دوباره در راستای رسیدن به اهداف و حقوق انسانی و ملی ملت کرد در این بخش از کردستان تبدیل شد. در همان لحظه‌ی آغازین این مبارزه‌ی نوین، جمهوری اسلامی ایران با تمام توان خود و هم‌پیمانانش تبلیغات وسیعی را علیه راسان شروع کرد. سرتاپای سیستم از جمله صدا و سیما و مسئولین نظامی و سیاسی رژیم در داخل و خارج از ایران همراه با ترس و وحشتی فراگیر که کاملاً مشهود بود، تهدیدی وحشیانه را آغاز کردند و به صورت آشکار دشمنی خود را علیه جنبش نوین کردستان بیان داشتند، اما مسئولین جنبش رهایی‌بخش کردستان با منانت و واقع‌بینی کامل به همه‌ی این تهدیدها و مخالفت‌ها پاسخ داده و توانستند راسان را به سمبل و امید

واقعی مبارزات نوین کردستان بدل کنند و مردم کردستان نیز با اعتماد کامل به راسان، به این رستاخیز ملی بپیوندند. مقابله‌ی فراگیر و استفاده از هر ابزاری علیه این مبارزات دور از انتظار نبود و با انتشار چنین منشوری تهی از واقعیت برای اجرایی شدن، در صدد جلب هرچه بیشتر اعتماد مردم نسبت به عملکرد دولت و رژیم حاکم برآمده تا از این طریق موجب فاصله گرفتن مردم جامعه‌ی کردستان از جنبش رهایی‌بخش کردستان شوند و باز هم با فریبی دیگر، مردم را به سوی صندوق‌های رأی بسیج کنند. اما قبل از خشک شدن جوهر این منشور، مهمترین اقدام رژیم در این راستا عملی شده و همه‌ی مخاطبان منشور حقوق شهروندی، پژواک این منشور به اصطلاح انسانی را در شهر کویه اقلیم کردستان شنیدند که در آن، تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی با کار گذاشتن دو بمب در میان پیشمرگه‌ها و انفجار آن، ۷ پیشمرگه‌ی کردستان را به خاک و خون کشیده و به شهادت رساند. این پیامی آشکار از سوی مسئولین کل ساختار حکومتی رژیم اسلامی برای همه‌ی دگران‌دیشان و مبارزان راه آزادیست که: این رژیم برای دستیابی به هر هدفی، صرفاً از ابزار رعب و وحشت و ترور و جنایت استفاده می‌کند و انتظار دیالوگ و اصلاح برای رسیدن به سیستم دمکراتیک در این نظام، یک خواب و خیال شاعرانه است. با این حال می‌توان با اطمینان خاطر گفت که راسان راه درستی را می‌پیماید و این قدرت است که معادلات را تغییر خواهد داد و برای کسب قدرت، باید هزینه داد.

بازی با کارت اشغالگران نتیجه‌ای جز شکست ندارد

علی منظمی

ترجمه: فریدین عبدالهی‌زاد



تاریخ مبارزات آزادیخواهی ملت‌ها بیانگر این حقیقت است که آزادیخواهان برای به زانو در آوردن اشغالگران، بر خلاف قوانین بازی آنها گام برداشته‌اند تا بتوانند بازی آنها را بر هم زده و مانع از آن شوند که همه چیز باب میلشان پیش رود. بدین وسیله در این راه موفق عمل کرده و توانسته‌اند زنجیر استعمار را از دست و پای ملتشان بکشایند و با آزادی زندگی کنند.

در تاریخ مبارزات ملی ملت‌ها برای آزادی، پیش آمده که رهبران بارها از سر پاکی و سادگی به دشمنان اعتماد کرده، قواعد پر از نیرنگشان را در بازی پذیرفته و بر مبنای این قواعد توخالی کنش نموده‌اند که نتیجه‌ی این اقدام چیزی غیر از شکست نبوده است. حال در قرن بیست و یکم، این سناریو بار دیگر از جانب احزاب کردی تکرار می‌شود و در روزتاوا در چارچوب سیاستی ایفای نقش می‌نمایند که هدفش محو همیشگی هویت کردی این بخش از کردستان است. این احزاب با اراده‌ی خود موجودیت خود را انکار نموده و به حضور اشغالگران مشروعیت می‌بخشند. افعال یاد شده در فوق نه اشتباهات تاکتیکی، بلکه خطاهای استراتژیک می‌باشند. سایه‌ی چنین اشتباهاتی می‌تواند ده‌ها سال بر سر مردم و سرزمینمان سنگینی کند و راه رسیدن به آزادی را بر پیچ و خم و سنگینتر نماید. پرسش‌هایی که در خصوص مسأله‌ی فوق‌الذکر، بخصوص بعد از آن که PYD از طریق مجمع مؤسس سیستم فدراسیون شمال سوریه نسبت به حذف نام "روزتاوای کردستان" اقدام نمود، مطرح است به شرح زیر می‌باشند:

PYD با انتخاب این استراتژی جدید می‌خواهد روزتاوای کردستان را به سوی کدام سرنوشت سوق دهد؟ PYD چه گزینه‌های دیگری در دست داشت و بر مبنای کدام تئوری این اقدام را صورت داده است؟ تلاش خواهیم نمود تا در قالب این مقاله، چارچوبی از وضعیت نابسامان غرب کردستان ارائه نمایم و تا آنجایی که در توانم می‌گنجد ستاریهای مختلف را مورد بررسی قرار داده و تصویری از کنش و رفتار بازیگران که در مقابل تعدادی از انتخاب‌های مشخص قرار گرفته‌اند، ترسیم سازم و روشن نمایم که چگونه با علم پیشین به نتیجه هر یک از این انتخاب‌ها، گزینه‌ای را برمی‌گزینند که موجبات انکار خودشان را فراهم می‌آورد. آنها آگاهند که نتیجه‌ی بر هم زدن مرزهای سرزمین ملی برای حفظ مرزهای چرکین اشغالگری چیزی جز نفع این اشغالگران نخواهد بود. آنها بدین وسیله وجودشان را تضمین خواهند نمود. اگر هم وجودشان را حفظ نمایند فاصله‌ای با سلطه‌گری دوباره اشغالگران بسیار کمتر از آن خواهد بود که فکر می‌کنند. با این

این اقدام PYD نه به سبب اقدامات احزاب کردی بلکه به سبب انتخاب دیگر طرف‌های تأثیرگذار در میدان سیاست سوریه و غرب کردستان می‌باشد.

اکنون نیز تقدیم غرب کردستان به PYD و خروج نیروهای اشغالگر یعنی سوریه از منطقه و معاهدات پشت پرده PYD و دولت سوریه در حاله‌ای از ابهام قرار دارند. انتخاب این گزینه از جانب PYD و دولت اشغالگر سوریه می‌تواند به روابط میان دولت سوریه و PKK از یک سو و رابطه میان PYD و PKK از سوی دیگر باز گردد. حتی اکنون که تلاش می‌شود آتش‌بسی برای جنگ سوریه حاصل شود، دولت مرکزی بارها از PYD تقاضا نموده است تا در چارچوب موافقتنامه موجود از مناطق تحت سلطه خود خارج شده و این مناطق را به دولت مرکزی واگذار نمایند. این می‌تواند یکی از عوامل حذف نام روزتاوا از جانب PYD باشد.

نیاید فراموش کرد که PYD با مقاومت قهرمانانه در مقابله با داعش و خلق داستان دلیرانه‌ی کوبانی، توانست توجه دولت‌های منطقه و قدرت‌های جهانی مانند آمریکا و روسیه را به خود جلب نماید، اما اکنون که آمریکا بیشترین تلاشش را صرف آزادسازی موصل با همکاری ارتش عراق و نیروهای پیشمرگه نموده است و می‌خواهد با آزادسازی موصل گام اولیه پایان دادن به داعش را بردارد، چنین می‌نماید که PYD از اهمیت سابق برخوردار نیست. به ویژه که پس از انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا، روزتاوا نقش سابق را در مبارزه با داعش بازی نمی‌کند. بازیگران اصلی جنگ سوریه اکنون ایران، ترکیه و سوریه می‌باشند. مشخص است که روسیه و ایران برای پیروزی رژیم اسد در این جنگ، اردوغان را نیز به سمت خود سوق داده‌اند. برای دست یافتن به

این منظور مشخص است که کردها را مورد معامله قرار داده‌اند. به این خاطر که ترکیه از یک سو PYD را به عنوان شاخه‌ای از PKK معرفی می‌نماید و از سوی دیگر آنها را به خاطر کرد بودن به عنوان تهدیدی علیه منافعش می‌شناسد. ایران نیز از دیرباز دشمن ملت کرد بوده و ضربه زدن به ملت کرد و منافع آن را هر کجا که باشد، به نفع خود می‌بیند. کردها برای روسیه نیز هیچ منفعتی نداشته‌اند، از همین رو روسیه نیز به سادگی می‌تواند در مقابل خواسته‌های ترکیه از کردها چشم‌پوشی کند. PYD با وجود این همه فرصت که در دسترسش بوده، نتوانسته است یک اتحاد ملی را در غرب کردستان شکل دهد و موجودیتش را تثبیت نماید. به همین خاطر اگر در این فرصت محدودی که در اختیار دارد دیگر طرف‌های PYD را راضی ننموده و بر هویت کردی خود پافشاری ننماید، به اصطلاح کردی، غرب کردستان و PYD و دیگر طرف‌های کرد همگی با هم نابود خواهند شد. امیدوارم که هرگز چنین روزی را نبینیم.

حاکمیت تک‌حزبی بوده و به دیگر احزاب که با PYD اختلاف عقیده دارند اجازه مشارکت داده نمی‌شود، نمی‌توان این سیستم را به عنوان یک سیستم دموکراتیک و موفق ارزیابی نمود. از نظر اینجانب، اگر این سیستم بسته نبود اکنون شاهد این اتفاق نمی‌بودیم که مجمع مؤسس سیستم فدرالی دموکراتیک شمال سوریه صریحاً هویت ملت کرد و بخشی از سرزمین کردستان را انکار نماید و چنین وانمود کند که تاریخ مصرف پروژه‌های ملی سپری شده و باید به پروژه‌ی "جامعه دموکراتیک" مجال ظهور داده شود. این اندیشه از سیاست‌های PKK نشأت می‌گیرد. از آن رو که PYD از سیاست‌های این حزب الهام گرفته و از سیاست و فلسفه این حزب پیروی می‌کند. به همین خاطر دیگر احزاب نیز به مانند حزب دموکراتیک ترقیخواه، ENKS و بسیاری از طرف‌های دیگر که به پارت دمکرات کردستان نزدیک هستند، در مخالفت با این سیاست و پروژه PYD واکنش نشان داده و این سیاست را به عنوان ابزاری برای از بین بردن پروژه ملی‌گرایی

بازیگران منطقه‌ای:
۱: اشغالگران کردستان: ایران و ترکیه؛
۲: بازیگران داخلی سوریه مانند رژیم اسد، گروه‌های مخالف اسد و داعش؛
بازیگران بین‌المللی:
آمریکا و روسیه
همان‌گونه که همه آگاهند، از آغاز بحران سوریه و شعله‌ور شدن جنگ داخلی، رژیم بعث سوریه نیروهای اشغالگر خود را به شکلی قابل ملاحظه از غرب کردستان عقب کشیده و PYD به عنوان نیروی مؤثر توانست خود را در این بخش از کردستان سازماندهی نموده و قدرت را در این بخش به دست بگیرد. PYD طی این چند سال حاکمیت خود کارهای بسیاری صورت داده که بعضی مثبت و بعضی دیگر منفی و در جهت مخالف منافع ملی بوده است. اگر چه PYD می‌تواند مدل جدیدی از خودمدیریتی را ایجاد نماید که همه گروه‌های دینی و نژادی را در آن مشارکت داده و زنان نیز در آن نقش برجسته‌ای داشته باشند، اما از آنجایی که این

انتخاب دوباره صدای پای جلاخان به گوش می‌رسد و سلطه‌گری مداوم و کشتار دوباره شهیدان کوبانی خواب کودکان اهورایی را بر هم خواهد زد. چه تلخ است که غرب کردستان را تقدیم نمای تا بخش شمالی کشور دیگری باشد. خودکم‌بینی تبدیل به بخشی از فرهنگی خوار و در حقیقت "بی‌فرهنگی شده" است. چرا اینگونه آموزش داده شده‌اند؟ چرا این گونه یاد گرفته‌اند، در نتیجه‌ی انتخاب‌های نادرست، آزادی هم شرمگین خواهد شد. اگر به غرب کردستان نگاهی بیاندازیم، می‌توانیم بازیگران مؤثر در انتخاب گزینه‌های موجود از جانب احزاب کردی و بخصوص حزب در قدرت PYD را مشخص نماییم. می‌توان اصلیت‌ترین بازیگران را بدین شکل دسته‌بندی نمود:
بازیگران کردستانی:
۱: احزاب غرب کردستان مانند احزاب عضو شورای ملی کرد در سوریه یا ENKS؛
۲: احزاب شمال کردستان مانند PKK و احزاب جنوب کردستان مانند پارت دموکرات و اتحادیه‌ی میهنی؛

معلمان مدارس تحت ستم ولایت فقیه

ن: جمال رسول دنفه



کارشناسان آموزش رژیم ایران بر این باورند که ۹۰ درصد مشکلات کشور به سیستم پرورده مربوط است. چراکه مدارس و دانشگاه‌ها در این کشور انسان "رباتیکی" پرورش می‌دهند این نیز در حالیست که برای حل بحران و مشکلات آینده، ضروری است که تعلیم و تربیت توسعه یابد. آنچه که امروز در جغرافیای ایران مشاهده می‌گردد، محصول وجود یک سیستم سیاسی دیکتاتوری و ایدئولوژی متحجرانه‌ای است که علیه هر گونه پیشرفتی می‌باشد و نتیجه آن شده است که جامعه به لبه پرتگاه برود. در کشور ایران هزاران مشکل اجتماعی و اقتصادی گریبان این جامعه را گرفته است. به جای آن که امکانات و فضای آموزشی برای معلمان مدارس تأمین شود، رژیم مراکز مذهبی ویژه‌ای برای آموزش انحرافی و ضد انسانی کودکان را اجرا کرده تا در آینده از این کودکان، افرادی بی‌مغز و تفکر پرورش یابند که هدف از آن تنها ذوب شدن در ولایت فقیه است.

ادامه سخن

نهایتاً مبارزه‌ای است برای آن که همگان در سرزمینی شکوفا و آزاد همچون انسان‌هایی آزاد، برابر و با عزت نفس در کنار یکدیگر زندگی کنند. اینجاست که به این نتیجه‌ی اساسی و بنیادی می‌رسیم که اگر "راسان روزها" با بهره‌گیری از تجارب به دست آمده از دوره‌های پیشین جنبش‌های بخش کردستان و با نگاه به آینده در صدد است که با روحیه و توانی مؤثر به پیش برود، باید تمام اقشار و طبقات جامعه را در بر بگیرد. در این مبارزه، توده‌های مردم کردستان که نیرو، اراده و سرچشمه‌ی اصلی جنبش هستند، باید به تمام معنا در آن حضور داشته باشند و هر طبقه، قشر و یا گروهی از هر طریق ممکن و با صرف بهای لازم در راه رسیدن به آزادی، وظیفه‌ی خود را به جا آورده و جایگاه خود را در این مبارزه مشخص کنند تا بدین طریق کل جامعه‌ی کردستان همراه با هم به مانند ملتی دارای اراده‌ی انقلابی که از حقوق خود محروم شده، به مقابله با دشمن برخیزند تا "شار" و "شاخ" به معنای واقعی کلمه و با هم سطور تاریخ قیام راسانیان شامل تمام اقشار و طبقات مردم کردستان می‌شود. راسانیان، صاحبان حرف و مشاغل، مهندسان، نویسندگان، زنان، جوانان، دانشجویان، بازرگانان، کارگران، دهقانان، باغبانان، دکانداران، کارمندان، روشنفکران، روحانیون و... تمامی کردهایی هستند که به هويت ملی‌شان توهین شده و قلبشان برای آزادی و سعادت می‌تپد.

در مسأله‌ی سوم، نبود فضای مدارس، امکانات لازم در محل تحصیل، نبود هماهنگی میان برنامه، طرح و تلاش در مدیریت، نبود پژوهش و به‌کاربردن تحقیقات علمی امروزی و شماری دیگر از مشکلات سیستم تعلیم و تربیت در ایران جامعه ایران را سمت و سویی سوق داده است که لایه‌ی و تغییر جامعه را بسیار سخت کرده و این مشکلات نیز امروزه گریبانگیر جامعه شده است. خامنه‌ای رهبر رژیم ایران در مدارس و دانشگاه‌ها به مانند ماشین سرکوب نگاه کرده و در این رابطه با هرگونه فعالیت مخالفت می‌کند و آن را کار "طاغوت" وصف می‌کند. همچنین این رژیم از سوی دیگر از طریق "بسیج دانش‌آموزی" آنان را برای جنگ آماده می‌کند و تاکنون نیز شماری چشمگیر از این دانش‌آموزان در جنگ سوریه کشته شده‌اند و این نیز در صورتی است که مسئولان رژیم از وزارت آموزش و پرورش انتقاد می‌کنند که دانش‌آموزان را انقلابی تربیت نمی‌کنند. در تاریخ ۸ سال جنگ ایران و عراق پر واضح است که آموزش و پرورش بزرگترین نقش را در اعزام نیروی انسانی به جبهه‌های جنگ داشته است و که بیشتر این نیروها دانش‌آموزانی بودند که در راستای سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم کشته شدند. علی اصغر فانی، وزیر کنونی دولت روحانی که در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۶۸ خورشیدی، ستاد جنگ وزارتخانه آموزش و پرورش را بر عهده داشته است، اظهار داشته است که در طی ۸ سال جنگ بیش از ۵۵۰ هزار دانشجوی تربیت معلم و بیش از ۹۰ هزار فرهنگی

در صورت نبود بودجه نیز برای درآمد خود دانشگاه ساختند و حتی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران علناً اعلام کرد که نباید همه هزینه‌های مدارس روی دوش دولت باشد این سخن وی در حالیست که بودجه‌ی سرسام‌آور به حوزه علمیه قم اختصاص داده می‌شود و تنها مسأله‌ی آموزش سی بخش متفاوت دربر دارد ۱- مسأله بنیادی و محتوای تربیت، ۲- مسأله معلمان ۳- مسأله مدیریت؛ که هرکدام از این مسایل خود مجموعه‌ای مبحث دربر دارد. اما برای شناساندن گوشه‌ای کوچک از سیستم آموزش ایران به چند مسأله اشاره می‌کنیم. در مسأله‌ی نخست، به سبب این که سیستم آموزش و پرورش مذهبی و حکومتی است، اهداف و خواست‌های انسان در این سیستم آموزشی با خواست‌های جامعه در تضاد است. که این نیز باعث می‌شود که آموزشگاه‌ها هیچ گونه تولید علمی نداشته باشند و اهداف تعلیم و تربیت کلی و مدارس و دانشگاه‌ها هیچ کارایی ندارند. کارشناسان برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به علت سیستم حکومت و این که در این سیستم توسعه و رشد به نظام و تفکرات واپسگرا پایبند هستند و تنها بر طبق خواست‌های زمان خود برنامه آموزش و پرورش را طرح‌ریزی می‌کنند. هیچ هماهنگی میان اهداف آموزش و پرورش نیازهای جامعه مشخص نیست. در مسأله‌ی دوم، استفاده نکردن از افراد متخصص و دانا و قرار ندادن برنامه‌های درسی منطبق با شرایط امروزی جامعه باعث می‌شود که دانش‌آموزان فقط حفظیات را یاد بگیرند و نتوانند از علم بهره‌جویند.

رقابت است) و شماری دیگر از بحث و موضوعات غیر دموکراتیک را وارد آموزش و پرورش کردند و تربیت انسان را فقط در تلقین تفکر ایدئولوژی اسلامگرایی مانند مطالعه‌ی مذهبی و کمونیسم شریعتمداری مانند محتوا و رد تجربه‌های انسان را در حوزه تربیت و انحراف علمی غرب، استفاده از آموزش و پرورش برای جذب نیرو در سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامیان حکومتی، به دست گرفتن بخش آموزش و تربیت از سوی دولت و همچنین تعلیم قشری ضعیف در جامعه به نام معلم مدرسه یافتند. نخستین هدف آموزش و پرورش در ایران توسعه‌ی ذهن، علم و جسم و پرورش ذهن و اجتماعی کردن نیست، بلکه برعکس شستشوی مغز و تحمیل ایدئولوژی اسلامگرایی و زندگی به سبک اسلامی است. همچنان که مسئولان این رژیم خود می‌گویند که هدف ما این است هویتی مستقل ملی و دینی برای دانش‌آموزان به وجود بیاوریم، بدین معنا که هویت و استقلال ضد غربی و تماماً تحت نظر و کنترل اسلامگراها باشد و ملی بودن هم همان تحت لوای حکومت مرکزی بودن است نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر. محتوای آموزش در ایران الفای ایدئولوژی اسلامگرایی و نفرت از غرب می‌باشد که برای این منظور نیز مکتبی دینی و خیالی به نام نظام "سلطه" ایجاد کرده و با کشورهای جهان به جنگ می‌پردازند و این نیز تنها در حول و حوش تفکر جنگ علیه امپریالیسم پرسه می‌خورد. در سیستم آموزش و پرورش ایران، اسلامگرایان و همه مراکز حکومتی خواستار به دست گرفتن مدارس و مکان‌های آموزشی هستند که

شخصیت و جریانی جرات بحث آن را ندارد، چون شکستن این سنگ به زیان رژیم است و مسئولان آن به طور مداوم و سیستماتیک در صدد نگاهداری از این سنگ سفت هستند. بر اساس گفته‌های مسئولان رژیم ایران، وزارت آموزش و پرورش فقیرترین وزارتخانه است و این در حالیست که مسئولان این رژیم حرف از کاهش بودجه‌ی این سازمان به میان می‌آورند و معلمان نیز اعتراض می‌کنند که نان ندارند بخورند در چنین شرایطی مسأله‌ی تربیت به کدام جهت قدم می‌گذارد؟ چون طبق گفته‌های متخصصان علوم تربیتی خود رژیم، مسأله‌ی تعلیم و تربیت برای آنان مهم نیست و تنها در مصاحبه‌ها و روزنامه‌ها نگرانی خود را در این زمینه ابراز می‌کنند و در واقع اصلاً برای آنان مهم نیست. چرا که سرنوشت کودکان به مثابه نسل آینده و امید آینده جامعه برای آنان ارزشی ندارد. امسال نیز در آغاز سال تحصیلی و بازشدن مدارس ایران در همراه مجموعه‌ای از مسایل بسیار مهم و حیاتی نسبت به تعلیم به میان آمد که بر آن هم دوباره سربوش گذاشته شد و هیچ اقدامی برای حل آن نشد و حتی در مواردی به کسانی هم که دم از اصلاحات در ساختار آموزش و پرورش زدند، حمله‌ور شدند. از زمانی که اسلامگرایان در ایران روی کار آمدند، بحث‌هایی مانند "بومی‌گرایی" (بازگشت به خود)، "ارزش‌گرایی" (فساد پنداشتن هر چیز خوبی بر اساس تعریف شیعه)، "محتوای تقلیل‌گرایانه" کاهش فرهنگ ملی در مقابل فرهنگ اسلامی ایدئولوژیک، تمامیت‌خواهی" (حذف همه اندیشه‌هایی که با اسلام آنان در

جاشیسم و رهروان مدرنش

— به بهانه انتشار چندین مقاله در فضای اینترنتی که بصورت هماهنگ شده علیه جنبش ملی دمکراتیک کردستان نوشته شده‌اند —

شهرام میرزائی

روبرو هستیم که با سوء استفاده از شعار "ما حزبی نیستیم، مستقل هستیم" استارت خورد و طی آن تحصیلکرده‌هایی که به ظاهر فعال سیاسی و دلسوز کردستان بودند، طی برنامه‌ای فشرده و طی چند دهه‌ی اخیر با تخریب حرکت‌های ایجاد شایعه علیه حرکت‌های منسجم و سازماندهی شده، ایجاد هراس علیه احزاب، منقور کردن شخصیت‌های برجسته‌ی سیاسی-حزبی، ترویج تفکر انفرادی و نابود کردن سمبل‌های مقاومت و ایستادگی، با تمام توان به مقابله با جنبش رهایی‌بخش کردستان پرداختند، امری که تا به امروز نیز ادامه دارد، که متأسفانه با کمترین واکنشی از سوی فعالین سیاسی-اجتماعی کورد روبرو شده‌اند و همین امر بر استمرار و بازتولید این نوع از "جاشایه‌تی" تأثیر بسزایی داشته است. کرماشان، آماج حملات جاش‌های نسل جوان و امروزی جاش‌های مدرن به علت شناختی که از

شرایط سیاسی-اجتماعی امروز کردستان دارند و نیز تغذیه‌ی فکری-عملی‌شان از سوی نهادهای اطلاعاتی-امنیتی ایران اسلامی، توانستند طی یک دهه اخیر تمام فعالیت‌ها، نوشتارها و گفتمان خود را بر کرماشان و ایلام متمرکز کنند. این افراد با ترویج شعارهایی همچون، "باید مستقل فعالیت نمود" و "ما مستقل هستیم" سعی در متشنج کردن فضای سیاسی و مغشوش کردن اذهان اقشار خاص کرماشان و ایلام دارند، بخشی از این افراد که با مدیریت اطلاعاتی و امنیتی به کرماشان و ایلام سرازیر می‌شوند، طی یک دهه اخیر به صورت علنی و با حضور در میان اقشار خاص کرماشان به ترویج و توزیع افکار ضد احزاب کوردی و ایجاد شایعات علیه این احزاب و ترساندن فعالین کرماشانی از میزان هزینه‌ای که باید به ازای حزبی بودن بپردازند، مشغولند. به عنوان مثال می‌توان به فعالیت‌های آزادانه‌ی این قشر در دانشگاه رازی اشاره کرد. نفوذ در میان فعالین دانشجویی به

عنوان سرمایه‌های آینده‌ی جنبش ملی-دمکراتیک کردستان از اهداف اصلی آنان در راستای قطع ارتباط با احزاب و ممانعت از ایجاد فعالیت‌های سازماندهی شده است. مشغول کردن دانشجویان به مباحث حاشیه‌ای و یا مسائل دیگر بخش‌های کردستان از جمله طرح‌هایی است که طی چند سال اخیر اجرائی شده است. اما چرا کرماشان؟ عدم حضور نسلی سیاسی-حزبی و استخواندار از اساسی‌ترین عوامل در انتخاب کرماشان به عنوان مرکز تجمع عملی-فکری جاشیسم مدرن است. به دلایل متعدد تاریخی که ذکر آن در این جستار نمی‌گنجد، جامعه‌ی سیاسی کرماشان توانسته به تولید یک یا چند نسل سیاسی حاضر در شهر نائل شود این امر بار سنگینی را بر دوش فعالین سیاسی-اجتماعی کرماشان طی یک سده‌ی اخیر گذاشته است و رژیم فاشیستی ایران در هر مقطعی توانسته مانع از شکل‌گیری نسلی سیاسی شود که در صحنه‌ی

واقعی جامعه حضور داشته باشند. این خلأ که اصلی‌ترین ضربه را به حرکت ملی-دمکراتیک کردستان در کرماشان زده است، از سویی مانع از انتقال تجربه‌ی کافی به فعالین آینده می‌شود و از سویی دیگر ما را با فعالینی روبرو می‌سازد که باید همه‌ی کارها را از صفر شروع کنند که این امر خود باعث تکرار اشتباهات و کند شدن روال فراگیر شدن جنبش رهایی‌بخش کردستان در کرماشان می‌شود. این خلأ و نیز عدم حضور قاطع احزاب کوردی در کرماشان، فضایی مناسب برای زیست و استمرار فعالیت جاش‌های مدرن مهیا کرده است تا با آشفته کردن فضای فکری-عملی و ایجاد هراس فراگیر از انجام فعالیت‌های سازماندهی شده و حزب‌هراسی، به انفکاک عملی در کرماشان دامن زده و مانع از شکل‌گیری اکت سیاسی اجتماعی تأثیرگذار شوند. چه باید کرد؟؟ تلاش برای شکل دادن به نسلی کارا و استخواندار، اساسی‌ترین

راهکار برای خنثی‌سازی تأثیرات جاشیسم مدرن است، در واقع بهترین محل نشو و نمای جاش‌های مدرن، جامعه‌ای است که از عدم حضور نسل سیاسی در عذاب است. به همین خاطر فعالین سیاسی-اجتماعی کرماشان با در پیش گرفتن راهبردی مشخص باید سعی در ایجاد این نسل داشته باشند و از سوی دیگر رهروان جنبش ملی دمکراتیک کردستان در جای جای این سرزمین، باید از تمام شیوه‌های ممکن در راستای شفاف‌سازی، معرفی و شناساندن این شیوه از جاشایه‌تی به مقابله با آن بپردازند. در واقع همانقدر که حضور پیشمرگه در عمق خاک کردستان از اهمیت بسزایی برخوردار است، مقابله با این سیستم فکری عملی نیز که هدفی جز پیشگیری از فراگیر شدن جنبش رهایی‌بخش کردستان در کرماشان و ایلام ندارد، مهم است.

خیانت در کردستان و زاگرس تاریخچه‌ای به درازای سیر تاریخی قیام‌های حق‌طلبانه‌ی مردمان این سرزمین دارد. از زمانی که هاریاک به مادها خیانت کرد تا دوران "ملا خطی" ملت ما شاهد خیانت‌هایی بوده که اگر روی نمی‌داد بی‌شک تاریخ را به گونه‌ای دیگر می‌نوشتند. اما از دوران روی کار آمدن "رضا میرنج" و شکل‌گیری قشری به اصطلاح روشنفکر و تحصیلکرده در ایران و کردستان، ما با نوعی جاشیسم البته از نوع مدرنش روبرو شدیم که به تحریف یا نابودی واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ملتمان و مصادره به مطلوب به نام ایرانی بوده‌ایم که می‌توان به "رشید یاسمی" به عنوان نمونه‌ی بارز این مرحله اشاره کرد. اما بعد از شکل‌گیری احزاب مدرن در کردستان -۱۳۲۴ به بعد- با نوعی دیگر از جاشیسم

سلام اسماعیل‌پور در گفتگو با کردستان:

ارتجاع حاکم، جنبش دانشجویی در کرماشان را یک تهدید تلقی می‌کند

دانشگاه‌های کرماشان بیردازیم، چرا سطح فعالیت در این بخش از کردستان اینچنین کم‌رنگ است؟ سلام اسماعیل پور: اگر مقصودتان مقایسه‌ی دانشگاه‌های کرماشان با دانشگاه‌های بزرگ مرکز از قبیل دانشگاه تهران، پلی تکنیک، علامه و ... باشد، این پیش فرض شما درست به نظر می‌رسد و دلایل متعددی می‌توان برای آن برشمرد. از جمله این که دانشگاه‌های کردستان به طور کلی از نظر قدمت و دیرینگی در مقایسه با دانشگاه‌های شهرهای بزرگ، نوپا به حساب می‌آیند. طبعاً نمی‌توان انتظار داشت جنبش دانشجویی در یک منطقه‌ی محروم و شدیداً میلیتاریزه شده و تحت فشار امنیتی، همپای مناطقی عمل کند که قدمت تجمعات سیاسی و تشکل‌های دانشجویی آنها از قدمت دانشگاه‌های مناطق آنان فراتر می‌رود. اما اگر مقصود مقایسه با سایر استان‌های کردستان باشد، من معتقدم دانشگاه‌های کرماشان در این زمینه نه تنها کم‌رنگ نیستند، بلکه به نوعی پیشرو به شمار می‌روند. حتی اجازه می‌خواهم این را عرض کنم که دانشگاه‌های کرماشان در مدت بیش از دو دهه‌ی اخیر همواره کانونی برای همگرایی ملی دانشجویان کورد و انتقال و تبادل دیدگاه‌های هویت‌خواهانه میان آنان بوده است. این مسأله در عصری که رژیم تمام تلاش خود را معطوف به ایجاد و تعقیب گسست هویتی بین مناطق مختلف کردستان نموده بود، اهمیتی افزون‌تر می‌یابد. در همین دانشگاه‌هاست که دانشجویان کرماشانی، سنندجی، مهابادی، ایلامی و ... اشتراکات هویتی خود را باز می‌یابند و می‌توان

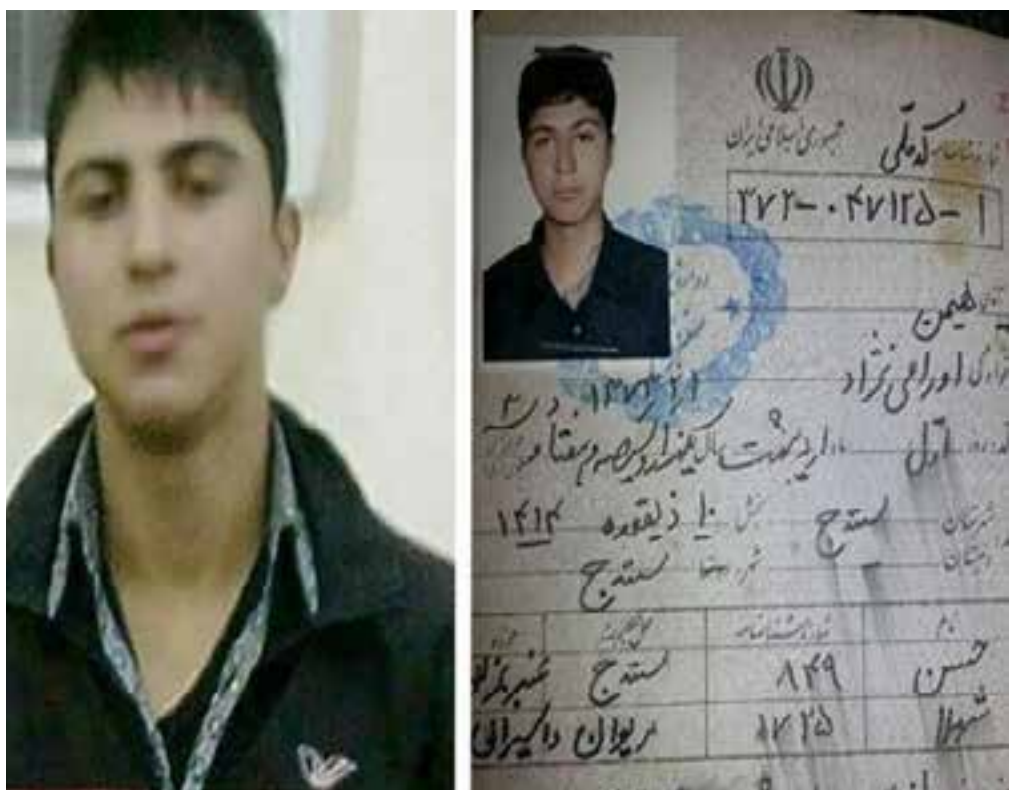


جنبش دانشجویی در ایران، یکی از جنبش‌هایی بوده که در چند دهه فعالیت خویش، به نوعی در بستر ناشی از خلأ فعالیت آزادانه‌ی احزاب سیاسی شکل گرفته و با فراز و نشیب‌هایی به راه خود ادامه داده است. شکل‌گیری جنبش دانشجویی کردستان نیز کامیابش متأثر از همین فضای میلیتاریستی و خفقان حکومتی علیه نهادهای سیاسی ریشه‌دار کردستان بوده و دانشجویان کرد در چند سال اخیر کوشیده‌اند تا حتی‌الامکان دانشگاه‌ها را به بستری برای بیان برخی مطالبات صنفی، سیاسی و هویت‌خواهانه‌ی خویش تبدیل نمایند. در رابطه با فعالیت‌های دانشجویان کورد در دانشگاه‌های کرماشان و نحوه‌ی تعامل جنبش دانشجویی کردستان با جنبش دانشجویی مرکزگرای موسوم به "سراسری" در ایران، گفتگویی با سلام اسماعیل پور، دبیر اسبق اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران داشته‌ایم که توجه خوانندگان گرمی را به متن این گفتگو جلب می‌کنیم: کردستان: اگر بخواهیم به آسیب‌شناسی فعالیت‌های سیاسی - صنفی دانشجویان

یعنی همان مسأله‌ی ملی و حقوق ملل تحت ستم ایران است. بدین معنا که دانشجوی کورد علاوه بر کاستی‌ها و اجحافات سیستماتیکی که کل نظام آموزش عالی و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نوعی اجحاف مضاعف را در رابطه با گروه هویتی خویش احساس و لمس می‌کند که برای گروه هویتی حاکم نه تنها اساساً موضوعیت ندارد، بلکه مطرح شدن آن از سوی هویت‌های تحت ستم را نیز تهدیدی علیه یکپارچگی تحمیلی و هژمونی ناروا و دیرپای گروه هویتی حاکم ارزیابی می‌کنند و صراحتاً در برابر آن موضع گرفته و به انکار و مقاومت در برابر آن روی آورده و در تلاش برای به انحراف کشاندن آن تردیدی به خود راه نمی‌دهند. در رابطه با اشتراکات این دو نوع جنبش، در درجه‌ی اول خواست‌های صرفاً صنفی را می‌توان برشمرد که از جمله‌ی آنها می‌توان به خواست‌های رفاهی، علمی، استقلال دانشگاه‌ها و منع ورود نیروهای نظامی و امنیتی به مراکز دانشگاهی اشاره نمود. در درجه‌ی بعدی و البته مهمتر، مسائلی همچون مطالبه‌ی عدالت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آزادی‌های سیاسی می‌توانند نقطه‌ی مشترک فعالیت این دو جنبش باشند، لیکن همان گونه که اشاره نمودیم، خوانش معیوب و پدرسالارانه‌ی گروه هویتی حاکم از این مفاهیم، منجر به شکل‌گیری اختلافات بنیادین در تعریف چنین مفاهیمی گردیده و اتحاد و همگرایی این دو نوع جنبش را با موانع و مشکلاتی مواجه نموده است. کردستان: جنبش دانشجویی ایران چگونه می‌تواند به حمایت از خواسته‌های دمکراتیک و برحق جنبش دانشجویی کوردی بپردازد؟

سلام اسماعیل‌پور: تصور می‌کنم جنبش دانشجویی در حال حاضر در مقایسه با دو دهه‌ی قبل، دورانی از فتور و به حاشیه رانده شدن را از سر می‌گذراند. علاوه بر این، نوعی عقب‌گرد و ارتجاع را در مواضع این جنبش در قبال مسائلی همچون آزادی، دمکراسی و مسأله‌ی ملی شاهدیم که مایوس‌کننده به نظر می‌رسد. جنبش دانشجویی ایران اگر می‌خواهد نقش پیشاهنگی خود را در مسائل اجتماعی ایران حفظ کند، قبل از هر چیزی بایستی این پوسته‌ی سخت خودساخته را بشکند و آن گونه که شایسته‌ی نام دانشگاه و قاصدان پیام اساسی علم، یعنی نقد و عقلانیت انتقادی است، به نقد گذشته‌ی خود و آسیب‌شناسی گفتمانی خود و سایر جنبش‌های آزادیخواهانه‌ی یکصد سال اخیر ایران اقدام کند و شجاعانه نقاط ضعف این مسیر را شناخته و در صدد اصلاح و رفع آنها برآید. به باور من، اگر در این آسیب‌شناسی به متدهای معیوب و نارسا متوسل نگردند و اغراض سیاسی ریشه‌دار مرکزگرایانه را دنبال نکنند، لزوماً به موضعگیری شجاعانه و شرافتمندانه در قبال حل مسأله‌ی ملی خواهند رسید. چنین رویه‌ای بدون شک مورد حمایت تمامی جنبش‌های هویت‌خواه دانشجویی خواهد بود و خواهد توانست به نزدیکی و اشتراک مواضع میان آنان کمک کند. کردستان: جنبش دانشجویی در کرماشان را چگونه تحلیل می‌کنید؟ سلام اسماعیل پور: همان گونه که پیشتر اشاره شد، معتقدم با روی کار آمدن احمدی‌نژاد در ایران، دورانی از ضعف و فتور بر جنبش دانشجویی در سرتاسر ایران و کردستان غالب شد که پس از روی کار آمدن

روحانی نیز علیرغم برخی تغییرات سطحی، به قوت خود باقی ماند. به همان دلایلی که پیشتر اشاره کردم و جنبش دانشجویی کوردی در این منطقه را نقطه‌ی امید برای بازیابی هویتی ملت کرد در کرماشان ارزیابی نمودم، ارتجاع حاکم نیز جنبش دانشجویی در کرماشان را یک تهدید تلقی می‌کند و برای به حاشیه راندن آن به انواع دسیسه‌ها و سرکوب‌ها متوسل گردیده است. ترویج مواد مخدر در مراکز دانشگاهی، قوانین سختگیرانه‌ی امنیتی و سرکوبگری علیه دانشجویان، دامن زدن به تفاوت‌های فرهنگی، منطقه‌ای و مذهبی و تلاش برای تبدیل آنها به اختلافات تفرقه‌افکنانه، بومی‌گزینی و مسائلی از این دست، همگی حاکی از تلاش رژیم برای به شکست کشاندن موج عظیم هویت‌طلبی در دانشگاه‌های کرماشان است. لیکن تصور می‌کنم زمان کنونی بسیار متفاوت از مقطع اوایل انقلاب و آن پروزه‌ی دانشگاه‌ستیزانه‌ی انقلاب فرهنگی است و این غول بیدار شده را نمی‌توان به شیشه‌ی شکسته‌ی استبداد بازگرداند. دیواری که قرن‌ها کرماشان را محصور کرده بود، فرو ریخته است و جنبش دانشجویی با عبور از دیوارهای کلبه‌ی تنگ استبداد، اینک نه تنها گستره‌ی نگاه خود را به سرتاسر کردستان گشوده، بلکه دروازه‌های فراخ جهانی را برای تبادل آرا و اندیشه‌ها پیش روی خود دارد. این بدان معناست که کرماشان علیرغم تمامی ناملامیات روزگار، اینک با پیشاهنگی جنبش دانشجویی و جامعه‌ی فرهنگی و نخبگان هنری و فرهیختگانش در دروازه‌های رنسانس ملی، سرفرازانه قد برافراشته است.



جوان کرد از قصاص نفس رهایی یافت

شهروندان خیر سندی موفق به اخذ عفو هیمین اورامی نژاد از خانواده مقتول شدند. به گزارش آژانس خبرسانی کردیا، پس از ماه‌ها تلاش جمعی از معتمدین، شهروندان و خیرین سندی با پیگیری و وساطت در اجرای حکم اعدام یک جوان ۲۲ ساله، سرانجام اولیاء دم "پویا ابوالقاسمی" از قصاص قاتل فرزندشان صرفنظر کردند. هیمین هورامی نژاد فرزند حسن

در سال ۱۳۹۰ که کمتر از ۱۸ سال سن داشت، دوست خود را به قتل رسانده و دستگاه قضایی او را به جرم "قتل عمد" به قصاص نفس محکوم کرده بود. خبرنگار کردیا در سندی گزارش عفو هیمین هورامی نژاد از سوی خانواده‌ی ابوالقاسمی را تأیید کرده است. مردم سندی به پاس احترام به چشم‌پوشی اولیای پویا ابوالقاسمی از اعدام قاتل فرزندشان، روز دوشنبه



یک روحانی سرشناس کرد به زندان و تبعید محکوم شد

دادگاه ویژه روحانیت رژیم در تبریز برای یکی از امامان جمعه اهل تسنن ارومیه حکم زندان و تبعید صادر کرد. به گزارش آژانس خبرسانی کردیا، روز گذشته در تبریز یک روحانی کرد پس از آنکه به دادگاه ویژه روحانیت این شهر احضار شده بود، بازداشت و به زندان مرکزی انتقال یافت. ملا رضا عبدی در همین دادگاه به ۶ ماه حبس تعزیری و تبعید ۲ ساله در خارج شهر ارومیه محکوم شده است.

یکی از نزدیکان آقای عبدی در گفتگوی کوتاهی با آژانس کردیا تأیید کرد که او حکم را در دادگاه دریافت و ایشان را بلافاصله راهی زندان کرده‌اند. این دادگاه مستقیماً زیر نظر علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران بوده و مسئول برخورد قضایی با روحانیون منتقد و مخالف حکومت اسلامی می‌باشد. قبلاً مدیریت مدرسه علوم دینی صلاح‌الدین ایوبی (ارومیه) و نیز امام جماعت مسجد قدس شهرک اسلام‌آباد برعهده ملا رضا عبدی بود.

قطع انگشت دست زندانیان جهت "عبرت سایرین" در زندان ارومیه



با حضور جمعی از مسئولین و زندانیان در زندان مرکزی ارومیه (دریا)، حکم قطع چهار انگشت دست دو برادر در پیش چشم زندانیان دیگر به اجرا گذاشت شد. بر اساس گزارش به آژانس خبرسانی کردیا، روز یکشنبه ۵ دیماه، دستگاه قضایی رژیم ایران در زندان مرکزی شهرستان ارومیه حکم قطع انگشت دست دو شهروند کرد، را برای "عبرت سایرین" به مورد اجرا گذاشت. هویت این دو شهروند زندانی کرد از

سوی خبرنگار کردیا در شهر ارومیه "فرامرز بی‌غم" ۳۸ ساله و "مجید بی‌غم" ۴۵ ساله اعلام گردیده است. به گفته‌ی این منبع، صدور حکم قطع چهار انگشت دست برادران بی‌غم به اتهام دزدی، از سوی دادستان شهرستان ارومیه در زندان صورت گرفته است. فرامرز و مجید طی مدت چهار سال و نیم به اتهام دزدی در زندان مرکزی دریا نگهداری شده‌اند. این منبع همچنین می‌افزاید: "این عمل شرم‌آور تحت عنوان درس عبرت

گرفتن، پیش چشم نزدیک به ۷۰ زندانی دیگر صورت گرفته است." این منبع در ادامه گفت: "یکی از زندانیان قبل از اجرای حکم به دادستان ارومیه گفته بود اشتباه کردیم و تقاضا کرده بود که حکم اجرا نشود، اما دادستان در جواب به صورت تمسخرآمیز گفته بود ما در راه می‌خواستیم شیرینی برایتان بگیریم تا شیرینی بخورید و این حرف‌ها را نزنید." نزدیک به ۵ هزار زندانی در داخل زندان مرکزی ارومیه وجود دارد.

حکم حبس ابد والی درودی لغو شد



دی‌ماه سال ۹۳ به والی درودی ۸ روز مرخصی داده شد. این زندانی سیاسی کرد به اتهام همکاری با احزاب کرد مخالف جمهوری اسلامی به حبس ابد محکوم شده بود. والی درودی اهل روستای "چروسانه" از توابع شهرستان کامیاران می‌باشد و در سال ۱۳۷۵ خورشیدی از سوی نهادهای امنیتی حکومت جمهوری اسلامی ایران در استان کرمانشاه بازداشت شده است. پس از ۱۸ سال حبس، در

یک منبع مطلع از وضعیت این فعال سیاسی کرد به آژانس کردیا اعلام کرد: پس از درخواست‌های مکرر والی درودی و خانواده‌ی وی برای پیگیری وضعیت حکم وی، سرانجام کمیسیون عفو و بخشودگی دستگاه قضایی با کاهش حکم زندان والی درودی موافقت نمود. عفو و بخشش زندانیان سیاسی در حکومت اسلامی ایران برعهده علی خامنه‌ای می‌باشد که بنا به پیشنهاد دستگاه قضایی با آن موافقت می‌کند. پس از ۱۸ سال حبس، در

دستگاه قضایی رژیم جمهوری اسلامی ایران حکم "تخفیف در مجازات" یک فعال سیاسی کرد در زندان یزد را صادر کرد. براساس گزارش آژانس خبرسانی کردیا، طی چند روز اخیر، حکم حبس ابد والی درودی، زندانی سیاسی کرد به ۲۵ سال زندان تخفیف یافت. این زندانی سیاسی کرد که هم‌اکنون در زندان یزد نگهداری می‌شود، بیش از بیست سال است که در حبس بسر می‌برد.